

جلال حکیمان



جناب حکیمان در سال 1298 در شهر کرمان در یک خانواده ی خدوم بهائی به دنیا آمد. پدر بزرگوارشان، جناب دکتر صادق، سال ها عضو و رئیس محفل روحانی کرمان و در بین یار و اغیار به حسن خُلق و خدمت به خلق مشهور بودند. جناب حکیمان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر کرمان به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل و ورود به دانشگاه، به طهران عزیمت نمود. در رشته های ادبیات، فلسفه، علوم تربیتی و زبان انگلیسی فارغ التَّحْصیل شد.

معلومات امریه را در محضر دانشمندان امر از جمله جنابان فاضل یزدی، ناطق اصفهانی، فاضل مازندرانی، وحید کشفی، دکتر یونس خان افروخته و دیگران فراگرفت و بر اثر اشتیاق فراوان به مطالعه از این طریق مرتباً معلومات خود را وسعت بخشید. در سیسان به امر تدریس اطفال و احباً به خصوص نسوان اشتغال داشت. سه سال در کرمانشاه به سر برد و بقیه ی عمر را در طهران به خدمات روحانیه پرداخت. در وزارت بهداری به عنوان مترجم استخدام و مورد اعتماد و احترام اولیای مربوطه بود و چون علاقه ی شدید به مطالعه داشت، بیشتر حقوق ماهانه ی خویش را صرف خرید کتب می نمود. چنانچه کتابخانه ی او را شامل چند هزار جلد کتاب دانسته اند.

وجودی بود وارسته و مظهر ادب و وقار. هرگز نفسی را نرنجاند و با عموم مردم با ظرافت و ادب و لطف رفتار می نمود. در سال 1979 از شغل خود بازنشسته گردید و فرصت یافت که نتیجه ی مطالعات خویش را به رشته ی تحریر

درآورد. کتابی در پنج جلد به نام « رؤیا » تألیف و به محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران برای تصویب تقدیم نمود. ضمناً محلّ سکونت خود را به اصفهان منتقل نمود و در همین شهر بود که در اکتبر 1982 به علت ایمان به امر جمال قدم گرفتار و زندانی گردید. پس از چند ماه به طهران اعزام شد. در طهران ابتدا در زندان قصر و سپس در زندان اوین محبوس گردید تا اینکه در اوّل ماه می 1983 به درجه ی شهادت رسید. بستگانش بعد از یک هفته از شهادت او با خبر شدند.

نقل از عندلیب، شماره ی 13، زمستان 1363.

پروازها و یادگارها، صفحه 141، تألیف ماه مهر گلستانه.

[www.Vaselan.org]

www.Vaselan.org